بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء وسید المرسلین؛ أما بعد:

مسأله‌ی جهری خواندن {بسم الله الرحمن الرحیم} در نماز یکی از مسائل فقهی است که از قدیم بین علماء درباره‌ی آن اختلاف نظر وجود داشته است و این مسائل اجتهادی نباید سبب اختلاف و نزاع بین مسلمانان شوند، بلکه حفظ اخوّت و برادری اسلامی بالاتر از این مسائل است.

چندی قبل جزوه‌ای درباره‌ی (**جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم}در قرائت قرآن به ویژه سوره‌ی فاتحه در نماز جهری**) به دستم رسید که نویسنده‌ی آن جناب شیخ جهانگیر اسماعیلی دلایلی را از سنت و اقوال صحابه و تابعین بر تأیید آن ذکر کرده بودند و بنده هم به رسم ادای امانت علمی بر خود دانستم که دلایل ایشان را در این بحث مورد بررسی قرار دهم که حاصل مطالب زیر می‌باشد:

۱- در مورد {بسم الله الرحمن الرحیم} در ابتدای سوره‌ی فاتحه که آیا شامل یکی از آیات این سوره می‌باشد یا نه اختلاف است!

گرد آورنده‌ی مطالب پیرامون جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} برادر و استاد ارجمند جناب شیخ اسماعیلی می‌گوید: (اما آنچه نقل از قراء سبعه به ما رسیده است، چنانچه ابو الخیر ابن الجزری در کتاب النشر فی القراءات العشر آورده است که همه قراء بدون اختلاف خواندن {بسم الله} در اول سوره فاتحه از ایشان روایت شده است، و اگر اختلافی هم نقل است در غیر سوره‌ی فاتحه در فواصل سُوَر می‌باشد).

گویم: آری! همه‌ی قاریان هفت‌گانه‌ی قرآن سوره‌ی فاتحه را با {بسم الله الرحمن الرحیم} تلاوت کرده‌اند ولی این دلیل بر این نیست که آنان سوره‌ی فاتحه را بدون تلاوت {بسم الله الرحمن الرحیم} نخوانده‌اند.

امام نووی در المجموع ۳۴۲/۳ می گوید: (أن أئمة القراءة السبعة (منهم) **من یری البسملة بلا خلاف عنه (ومنهم) من روی عنه الامران ولیس فیهم من لم یبسمل بلا خلاف عنه..)**.

امام نووی گوید: (از جمله قرایان هفت‌گانه کسانی هستند که بدون اختلاف قائل به جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} هستند، وکسانی دیگر از آنان هر دو وجه (یعنی به جهر خواندن و سر خواندن) از ایشان روایت شده است و از اینان کسانی نیستند که بدون اختلاف {بسم الله الرحمن الرحیم} نگفته باشند).

و امام ابن الجزری در کتاب النشر فی القراءات العشر ۳۰۹/۱ می‌گوید: **(**اختلف فی هذه المسألة (یعنی: حکم البسملة وهل هی آیة فی أول کل سورة کتبت فیه أم لا؟) علی خمسة أقوال:

أحدها: أنها آیة من الفاتحة فقط وهذا مذهب أهل مکة والکوفة ومن وافقهم. وروی قولاً للشافعی.

الثانی: أنها آیة من أول الفاتحة ومن أول سورة وهو الأصح من مذهب الشافعی ومن وافقه وهو روایة عن أحمد ونسب إلی أبی حنیفة.

الثالث: أنها آیة من أول الفاتحة بعض آیة من غیرها وهو القول الثانی للشافعی.

الرابع: أنها آیة مستقلة فی أول کل سورة لا منها وهو المشهور عن أحمد وقول داود وأصحابه وحکاه أبو بکر الرازی عن أبی الحسن الکرخی وهو من کبار أصحاب أبی حنیفة.

الخامس: أنها لیست بآیة ولا بعض آیة من أول الفاتحة ولا من أول غیرها وإنما کتبت للتیمن والتبرک وهو مذهب مالک وأبی حنیفة ومن وافقهم [علی] ذلک مع إجماعهم علی أنها بعض آیة من سورة النمل وأن بعضها آیة من الفاتحة (قلت) وهذه الأقوال ترجع إلی النفی والإثبات والذی نعتقده أن کلیهما صحیح وأن کل ذلک حق فیکون الاختلاف فیهما کاختلاف القراءات. قال السخاوی رحمه الله: واتفق القراء علیها فی أول الفاتحة. فإن ابن کثیر وعاصم والکسائی

يعتقدونها آية منها ومن كل سورة ووافقهم حمزة على الفاتحة خاصة. قال: وأبو عمرو وقالون ومن تابعه من قراء المدينة لا يعتقدونها آية من الفاتحة انتهى).

امام ابن الجزری گوید: (اختلاف نظر علما در این مسأله [یعنی: حکم {بسم الله الرحمن الرحیم} در اول هر سوره از قرآن] بر پنج گفته است که از این قرار می‌باشد:

اول: اینکه فقط آیه ای از سوره‌ی فاتحه است و این مذهب اهل مکه و کوفه و موافقین آنها و گفته‌ای از امام شافعی است.

دوم: آیه‌ای از اول فاتحه و دیگر سوره‌ها می‌باشد و این گفته‌ی صحیح از مذهب امام شافعی و موافقین وی و روایتی از امام احمد است و به ابوحنیفه نیز نسبت داده شده است.

سوم: آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه وقسمتی از آیات سوره‌های دیگر است و این گفته‌ی دوم از امام شافعی است.

چهارم: اینکه آیه‌ای مستقل از اول هر سوره است و شامل آن سوره ها نیست و این گفته‌ی مشهور از امام احمد و گفته‌ای از داود ظاهری و اتباعش است و ابوبکر رازی این گفته را از ابوالحسن کرخی از اصحاب ابوحنیفه نقل کرده است.

پنجم: آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه و اول آن و دیگر سوره‌های قرآن نمی‌باشد و فقط برای تیمن و تبرک نوشته شده است و این مذهب امام مالک و ابوحنیفه و موافقین آنها بر این مسأله است غیر از اجماع آنها بر این که آیه‌ای از سوره‌ی نمل می‌باشد و قسمتی از آن آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه است (گویم): این گفته‌ها بر می‌گردد به اثبات و نفی {بسم الله الرحمن الرحیم} نسبت به سوره‌ی فاتحه، و آنچه ما اعتقاد داریم هر دو نظر درست است و هر دو گفته حق است و اختلاف در این مسأله اختلاف در قرائت‌هاست، و از امام سخاوی نقل است که گوید: ابن کثیر و عاصم و کسائی از قاریان هفت‌گانه‌ی قرآن اعتقاد دارند که {بسم الله الرحمن الرحیم} آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه و دیگر

سوره‌های قرآن است و حمزه با آنان در سوره‌ی فاتحه فقط اتفاق نظر دارد و أبو عمرو و قالون و دیگران از اتباعشان از قاریان مدینه اعتقاد دارند که آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه نیست).

امام شوکانی در فتح القدیر ۷۸/۱ چنین می‌گوید: (علماء اتفاق نظر دارند بر اینکه {بسم الله الرحمن الرحیم} آیه‌ای از سوره‌ی نمل است، و قاریان مکه و کوفه نیز بر این هستند که آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه می‌باشد، ولی قاریان مدینه و بصره و شام با آنها مخالفت دارند و {بسم الله الرحمن الرحیم} را آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه و دیگر سوره‌ها نمی‌دانند و می‌گویند {بسم الله الرحمن الرحیم} برای فاصله‌ی بین سوره‌ها و تبرک به آن نوشته شده است).

پس ما در اینجا نتیجه می‌گیریم که علماء در مورد اینکه {بسم الله الرحمن الرحیم} آیه‌ای از سوره‌ی فاتحه می‌باشد یا نه! اختلاف نظر دارند و کسانی بوده‌اند که آن را آیه‌ای از فاتحه نمی‌دانستند.

۲- جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} در نماز جهری از مسائل اختلافی است که فقهای چهار مذهب با هم در آن اختلاف نظر دارند، و قوی‌ترین دلیلی که بر تأیید این مسأله از صحابه‌ی رسول الله ﷺ به آن استناد شده روایت ابوهریره رضی الله عنه است، و آنچه از وی رضی الله عنه نیز نقل شده دلالت قاطعی بر این مسأله ندارد و از لحاظ اسناد نیز مشکل دارد که پیرامون این روایت سخن خواهیم گفت!

شایان ذکر است که کسانی که از صحابه رضی الله عنهم در کتاب‌های فقهی از آنها یاد شده است که جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} قائل بوده‌اند هیچ مدرک صحیحی در نسبت این اقوال به آنها ثابت نیست مگر با اسنادهای ضعیف یا جعلی و دروغ!! و همچنین از علمای تابعین که به عنوان مثال در این مسأله به عکرمه رحمه الله استناد شده اصل روایت از ایشان ضعیف است، و علت ضعف این روایت عمارة بن حیّان و عبد الله بن القاسم هستند و عمارة را یحیی بن معین ضعیف دانسته است (ن.ک: الضعفاء ت: ابن الجوزی ۲۰۳/۲) و عبد الله بن القاسم نیز چنانچه علی بن المدینی گفته مجهول است (ن.ک: اللسان ۳۲۷/۴).

۳- در مورد اجماع‌هایی که نقل می‌شود و در تعارض با احادیث صحیح از رسول الله ﷺ هستند، نمی‌شود استناد کرد، حال از جعفر صادق و یا هر شخص دیگری باشد غیر از این که این روایت‌ها از این ائمه ثابت نیست.

۴- حال می‌ماند روایت‌هایی که در جزوه آمده است:

۱) گرد آورنده‌ی مطالب پیرامون جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} در مورد روایت ابن‌عباس رضی الله عنهما نزد دارقطنی و حاکم آورده است که امام حاکم گوید: (این حدیث صحیحی است و هیچ مشکلی از حیث ضعیف بودن ندارد).

جواب: اول: اینکه حاکم بر تصحیحاتش به علت تساهل او اعتماد نمی‌شود، و امام ابن الصلاح در معرفت علوم حدیث ص ۲۳ درباره‌ی امام حاکم و تصحیحش می‌گوید: (امام حاکم در حکم بر صحت حدیث متساهل است). و کسانی دیگر از علمای حدیث نیز بر همین نظر هستند از جمله امام عراقی (الفیه بیت ۳۱) و سیوطی (الفیه بیت ۶۰) و ابن‌حجر (النکت ۴۲/۱) و...

دوم: امام ذهبی بر تصحیح این حدیث از طرف امام حاکم انتقاد کرده و گفته است: ابن‌حسان (مقصود یکی از راویان اسناد این روایت است) شماری از علما او را دروغگو دانسته‌اند..

و امام ابن‌حجر در اتحاف المهرة ۷۶/۷ نیز عیب و علت حدیث را در این اسناد همین راوی شمرده‌اند. و امام علی بن المدینی نیز گوید: ابن‌حسان احادیث را جعل می‌کرد و همچنین خود امام دارقطنی این راوی را درغگو دانسته است. (ن.ک: المیزان ۴۶۸/۲).

سوم: این روایت عیب و علت دیگری نیز دارد و آن هم ابو الصلت هروی معروف به عبد السلام بن صالح که امام ابو حاتم درباره‌اش گفته است: (نزد من او راستگو نمی‌باشد) و امام نسائی گوید: (او ثقه نیست) و ابن‌عدی و دارقطنی گفته‌اند: (او متهم است). یعنی متهم به دروغ گفتن است. (ن.ک: المیزان ۶۱۶/۲).

از ابن‌عباس ﷺ روایت‌های دیگری نیز نقل شده که مثل این حدیث ضعفش شدید است و نیازی به ذکر آنها نیست.

۲) گرد آورنده‌ی مطالب پیرامون جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم}در مورد روایت ابوهریره ﷺ نزد دارقطنی در جزوه‌اش آورده است که امام دارقطنی در تأیید این حدیث می‌گوید: (رجال اسناده کلهم ثقات یعنی: تمامی راویان این اسناد ثقه هستند).

گویم: اول: این حدیث صحیح نیست بلکه مخالف با روایت‌های صحیح دیگر است و این روایت مورد انتقاد شماری از علما واقع شده است از جمله ابن حجر (الدرایة ۱۳۳/۱) و ابن الجوزی (التحقیق ۳۵۶/۱) و زیلعی (نصب الرایة ۲۶۲/۱).

دوم: گفته‌ی دارقطنی که تمامی راویان این اسناد ثقه هستند درست نیست زیرا امام زیلعی در نصب الرایة ۲۶۲/۱ می‌گوید: اگر این روایت از ابو اویس ثابت باشد به روایت وی استناد نمی‌شود، زیرا به روایت‌های ابو اویس که خودش به تنهایی روایت می‌کند استدلال نمی‌شود چه بسا که غیر از اینکه خودش به تنهایی روایت می‌کند کسی قوی‌تر از خودش با وی مخالفت کند، غیر از اینکه او مورد انتقاد واقع شده است و عده‌ای او را ثقه و دیگران او را ضعیف شمرده‌اند، و از کسانی که او را تضعیف کرده‌اند احمد بن حنبل و یحیی بن معین و ابوحاتم رازی است و از جمله کسانی که او را ثقه دانسته‌اند دارقطنی و ابوزرعه است و ابن‌عدی گفته است روایت وی نوشته می‌شود...

امام ابن حجر در "تقریب التهذیب" او را در رتبه‌ی صدوقی قرار داده که دچار توهم شده است و امام خطیب بغدادی در کتاب "الجهر بالبسملة" نیز در این روایت از جهت این راوی ضعف دیده است.

خلاصه‌ی آنچه در مورد این راوی می‌شود ذکر کرد همان است که ابن‌حجر خلاصه کرده است و اینچنین راویان نمی‌شود به احادیثشان اعتماد کرد مگر در مواردی که کسانی غیر از آنان این روایت را نقل کنند و امام مسلم اگر از این راوی روایت کرده است در ضمن متابعات و روایت‌هایی است که با اسنادهای دیگری ثابت شده است.

شایان ذکر است که گفته‌ی دارقطنی: (تمامی راویان این اسناد ثقه هستند) نزد علمای حدیث دلالت بر تصحیح آن روایت ندارد، زیرا احتمال دارد راویان اسناد ثقه باشند ولی با دیگر ثقات که از آنها قوی‌تر هستند مخالفت کرده باشند و در نتیجه آن روایت شاذ می‌شود و خود امام دارقطنی نیز جایی دیگر ادعا داشته که در جهری خواندن {بسم الله الرحمن الرحیم} هیچ روایتی صحّت ندارد. (ن.ک: نیل الاوطار ۱-۶۵۵/۲ چاپ دار المعرفة).

۳) گرد آورنده‌ی مطالب پیرامون جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم}از جمله روایت‌هایی که به آنها استناد کرده است روایتی از ابوهریره رضی الله عنه است که نعیم بن عبد الله المجمر از ایشان روایت کرده است و گوید: به امامت ابوهریره رضی الله عنه نماز خواندم {بسم الله الرحمن الرحیم} خواند سپس ام الکتاب (سوره فاتحه) خواند تا اینکه به {ولا الضالین} رسید آمین گفت مردم نیز آمین گفتند و هر بار به سجده می‌رفت الله أکبر می‌گفت و پس از برخواستن از تحیات اول الله اکبر می‌گفت و بعد از سلام نماز می‌فرمود: شباهت نماز من به پیامبر صلى الله عليه وسلم از همه‌ی شما بیشتر است.

گویم: اول: امام زیلعی در نصب الرایة ۳۳۵/۱-۳۳۷ پیرامون این روایت سخن بسیاری به میان آورده است و از جمله انتقادات بر این روایت شاذ بودن ذکر {بسم الله الرحمن الرحیم} در این روایت است، زیرا شماری از علمای تابعین مثل ابوسلمه چنانچه در بخاری و مسلم آمده است همین روایت را از ابوهریره رضی الله عنه نقل کرده و سخنی از {بسم الله الرحمن الرحیم} به میان نیاورده اند.

دوم: سعید بن ابی‌هلال که در اسناد این روایت است دچار اختلاط شده است و رتبه‌ی این راوی نیز نزد ابن‌حجر در تقریب صدوق است و راوی‌ای که صدوق است اگر با ثقات مخالفت کند روایتش مردود است چنانچه در این روایت صورت گرفته است.

سوم: بر فرض صحت این روایت در آن به صراحت نیامده است که ابوهریره رضی الله عنه {بسم الله الرحمن الرحیم} را جهری خوانده است بلکه احتمال دارد آن را با صدایی خوانده باشد که نعیم المجمر که نزدیک وی بوده آن را شنیده

است، به ویژه اینکه راوی بین سوره‌ی فاتحه و {بسم الله الرحمن الرحیم} با لفظ سپس فاصله انداخته است و {بسم الله الرحمن الرحیم} را از سوره‌ی فاتحه به حساب نیاورده است. (النکت علی ابن الصلاح ۷۷۰/۲).

چهارم: این فعل که نعیم المجمر نقل کرده است از فعل صحابی است که دلالت بر صورت گرفتن این کار از رسول الله ﷺ ندارد.

پنجم: گفته‌ی ابوهریره رضي الله عنه شباهت نماز من به پیامبر ﷺ از همه‌ی شما بیشتر است دلیلی بر این نیست که تک تک افعال نماز وی مثل رسول الله ﷺ باشد بلکه شاید برای تعلیم تابعین از خود نیز اجتهاد داشته است.

۴) گرد آورنده‌ی مطالب پیرامون جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} از جمله روایت‌هایی که به آنها استناد کرده است روایتی از انس رضي الله عنه است که از وی پرسیدند قرائت پیامبر ﷺ چگونه بود، فرمود: کشیده بود سپس {بسم الله الرحمن الرحیم} را خواند {بسم الله}، {الرحمن} و {الرحیم} را کشیدند.

حافظ ابوبکر محمد بن موسی حازمی می‌گوید: این حدیث صحیح است و اشکالی برای آن نمی‌شناسیم و این حدیث دلالت بر جهر خواندن بطور مطلق دارد و حالت نماز و غیر نماز را شامل می‌شود و اگر در دو حالت نماز و غیر نماز در جهر آن فرق داشت انس رضي الله عنه آن را مشخص می‌نمود، و بصورت مطلق جواب نمی‌دادند و از آنجایی که در جواب سائل از {بسم الله} شروع کردند دلالت بر آن است که پیامبر ﷺ آن را به بلند می‌خواندند و اگر غیر از این بود در جواب از {الحمد لله} یا چیز دیگر می‌گفتند.

گویم: این حدیث در صحیح بخاری است ولی استدلال به آن در این موضع درست نیست، و امام ابن‌حجر که خودش شافعی مذهب است بر این استدلال در کتاب "النکت علی کتاب ابن الصلاح ۷۶۲/۲" رد می‌دهد و می‌گوید: (احتمال دارد انس رضي الله عنه {بسم الله الرحمن الرحیم} را در اینجا برای مثال از قرائت رسول الله ذکر کرده است، پس نمی‌تواند دلیلی بر این مسأله (یعنی جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم}) باشد). و سپس رد بر این مسأله که این حدیث شامل نماز و غیر از نماز می‌باشد می‌گوید: (این گفته مشکل است، زیرا یک مسأله‌ی عام دلالت بر مسأله‌ی

خاص ندارد، و مقصود او این بوده که رسول الله ﷺ هنگامی که {بسم الله الرحمن الرحیم} تلاوت می‌کردند، {بسم الله} و بعد {الرحمن} و {الرحیم} را می‌کشیدند، پس از کجای این حدیث این استدلال را کرده که رسول الله ﷺ آن به طور جهری در نماز تلاوت می‌کردند).

در ادامه‌ی رد بر استدلال سابق از حدیث، ابن‌حجر رحمه الله به روایت صحیحی نزد امام احمد در مسندش که خودش نیز آن را صحیح دانسته است از یکی از همسران رسول الله ﷺ که به گمان راوی شاید حفصه رضی الله عنها باشد استناد می‌کند که از قرائت رسول الله ﷺ سؤال شد، او رضی الله عنها گفت: شما مثل او نمی‌توانید، به او گفته شد: به ما از آن قرائت خبر بده! روای گوید: او چنین قرائت کرد، {الحمد لله رب العالمین} را خواند، سپس ایستاد، {الرحمن الرحیم}، باز هم ایستاد، {مالک یوم الدین}.

ابن‌حجر در النکت ۷۶۳/۲-۷۶۴ گوید: (اگر دلالت حدیث انس رضی الله عنه و ام سلمه رضی الله عنها بر اثبات {بسم الله الرحمن الرحیم} در سوره‌ی فاتحه باشد و آن هم فقط به مجرد ذکر آن همراه این سوره، حدیث حفصه رضی الله عنها دلالت بر ساقط شدن آن از این سوره است، و اگر بین این دو حدیث جمع شود که حفصه رضی الله عنها {بسم الله الرحمن الرحیم} را در نماز از رسول الله ﷺ نشنیده‌اند، و انس و ام‌سلمه رضی الله عنهاخارج از نماز {بسم الله الرحمن الرحیم} را از رسول‌الله ﷺ شنیده‌اند، این جمع ممکن است و به دور از درست بودن نیست، و این امر بهتر از ادعای تعارض بین روایت‌هاست).

۵) گرد آورنده‌ی مطالب پیرامون جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} از جمله روایت‌هایی که به آنها استناد کرده است روایتی از انس رضی الله عنه است که گوید: روزی پیامبر ﷺ در میان ما بود کمی به حالت خواب رفتند سپس سر را در حالتی خندان بالا آوردند، گفتیم: از چه می‌خندی ای رسول خدا!؟ فرمود: سوره‌ای بر من نازل شد پس {بسم الله الرحمن الرحیم} و سوره کوثر ... را خواندند.

گویم: شکی در صحت این روایت نیست ولی مثل حدیث قبلی دلیلی در این روایت بر صورت گرفتن این تلاوت در نماز نیست بلکه به صراحت بیان شده که این کار خارج از نماز بوده است.

۶) از جمله روایت‌هایی که به آنها استناد شده است روایتی از انس ﷺ است که گوید: معاویه در مدینه نمازی را امامت کرد {بسم الله} را در سوره‌ی فاتحه خواند اما در سوره‌ی بعدی نخواند، بعد از سلام نماز او، مهاجرین حاضر از هرسو صدایش زدند ای معاویه! از نماز دزدیدی یا فراموش کردی؟ بعد از آن هر وقت که نماز خواند {بسم الله} را می‌خواند.

گویم: مدار اسناد این روایت بر ابن‌خثیم است، که بر سه وجه اسنادی مختلف از او روایت شده است، گاهی از ابن‌حفص بن عمر روایت کرده و گاهی از اسماعیل بن رفاعة از پدرش و گاهی از پدر و پدر بزرگش، که همه‌ی این روایت‌ها دلالت بر اضطراب اسنادی از طرف ابن‌خثیم دارند!

امام زیلعی رحمه الله در نصب الراية ۴۳۱/۱ می‌گوید: (این راوی هرچند از راویان امام مسلم است ولی بر علیه او صحبت به میان آمده، و ابن‌عدی از امام ابن‌معین روایت کرده که گوید: "احادیث این راوی قوی نیست"، و امام نسائی گوید: "احادیثش محکم نیست و از لحاظ حدیثی قوی نمی‌باشد"، وامام دارقطنی گوید: "ضعیف است و احادیثش را علما محکم نمی‌دانند"، و امام ابن‌المدینی گوید: "در احادیثش نکارت وجود دارد"، و به طور کلی این راوی در روایتش اختلاف شده و روایتی که خودش به تنهایی آن را روایت کند قبول نیست).

امام ابن‌حجر در فتح الباری ۱۹۲/۵ گوید: (در هر صورت این روایت از لحاظ اسناد و الفاظش مضطرب است، و نمی‌شود که آن را متعارض با احادیث صحیح و صریح از انس ﷺ قرار داد؛ و این روایت را عَبْد الله بْن عُثْمَان ابْن خثیم به تنهایی روایت کرده است و او قوی نیست، و يَحْيَى القطان و ابن مهدی احادیثش را ترک کرده‌اند).

۷) آخرین روایتی که به آن استناد شده است روایتی از محمد بن أبی السری است که گوید: (به امامت معتمر نمازهای مغرب و صبح زیادی خواندم {بسم الله} ... را به جهر می‌خواند قبل از فاتحه و بعد از آن و از معتمر شنیدم

که می‌گفت: پروائی نمی‌بینم که مثل پدرم نماز بخوانم و پدرم گفت: پروائی نمی‌بینم که نماز انس بن مالک ﷺ نماز بخوانم و انس ﷺ فرمود: پروائی نمی‌بینم که به نماز پیامبر ﷺ اقتدا کنم).

گویم: راوی این روایت محمد بن أبی السری عسقلانی ثقه نیست! و امام ابن‌حجر در تقریب التهذیب می‌گوید: (این راوی صدوق و عارف است و اوهام او زیاد می‌باشد) و از جمله بزرگان محدثین مثل ابو حاتم رازی نیز او را ضعیف دانسته است، غیر از این که این روایت با احادیث صحیح از انس ﷺ در تعارض است و امام زیلعی به طور مُفَصّل پیرامون این حدیث و علت ضعف آن در نصب الراية ۲۶۴/۱ سخن به میان آورده است که در اینجا به همین اندازه اکتفا می‌کنم.

خاتمه: گرد آورنده‌ی مطالب پیرامون جهر به {بسم الله الرحمن الرحیم} بردار و استاد ارجمند جناب شیخ اسماعیلی می‌گوید: (اما استناد به روایتی که در صحیحین از انس ﷺ آمده و دلالت بر ترک {بسم الله} از آن بر گرفته‌اند این روایات است:

۱- روایت امام مسلم که انس ﷺ فرمود: ((با پیامبر ﷺ و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم با {الحمد لله رب العالمین} شروع می‌کردند {بسم الله [الرحمن الرحیم]} در اول و آخر قرائت نمی‌گفتند)).

۲- روایت امام بخاری که انس ﷺ فرمود: ((حقا که پیامبر ﷺ و ابوبکر و عمر نماز را با الحمد لله رب العالمین} شروع می‌کردند)).

چنانکه می‌بینید در روایت امام بخاری لفظ ((لا یذکرون {بسم الله ..})) [یعنی: {بسم الله .. } را قرائت نمی‌کردند] ... ذکر نشده است، چرا که برداشت راوی بوده و هر کسی به اندازه درک خود برداشت می‌کند.

منظور از افتتاح نماز با {الحمد لله} این است که نماز را با سوره فاتحه شروع می‌کردند نه سوره دیگر نه اینکه {بسم الله} را نمی خواندند، بر این تفسیر روایات دیگری که از حضرت انس بن مالک ﷺ روایت شده خود

دلالت می‌دهد مثل: ((... فكانوا يفتتحون بأم القرآن فيما يجهر به)) [يعنی: نماز را آغاز می‌كردند با أم القرآن (سوره‌ی فاتحه) در آنچه كه جهری بود.

همچنين از امام احمد بن حنبل و ابن‌خزيمه و دارقطنی با سند صحيح روايت شده: ((از انس سؤال شد كه پيامبرﷺ و ابوبكر و عمر نماز را با {الحمد لله} يا با {بسم الله ..} شروع می‌كردند فرمود: اين را نمی‌دانم و كسی قبل از تو از من نپرسيده است)).

با اين همه روايات وارده از صحابه من جمله ابن‌عباس، ابوهريره و انس كه به طور صريح در مورد جهر {بسم الله الرحمن الرحيم} در نماز و غير نماز آمده است قائل بودن به بدعت جهر امری بس عجيب است).

جواب: تمامی احاديثی كه دلالت بر جهری خواندن {بسم الله الرحمن الرحيم} در نماز دارند را بررسی كرديم و هيچ كدام از آنها بی عيب نبودند و همان‌طور كه از امام دارقطنی نقل كرديم گفته است: در جهری خواندن {بسم الله الرحمن الرحيم} هيچ روايتی صحّت ندارد (ن.ک: نيل الاوطار ١-٢/٦٥٥ چاپ دار المعرفة)، اكنون در اين موضع بررسی كوتاهی خواهيم داشت پيرامون حديثی كه دلالت بر جهری نخواندن {بسم الله الرحمن الرحيم} در نماز را دارد، كه از لحاظ حديثی، اسناد اين روايت هيچ عيبی ندارد ولی چند انتقاد بر متن اين روايت وارد شده كه من در اينجا بر آنها پاسخ می‌دهم.

اول: اينكه تصريح به عدم قرائت جهری {بسم الله الرحمن الرحيم} در روايت امام مسلم برداشت راوی بوده و هر كسی به اندازه درک خود برداشت می‌كند درست نيست! زيرا روايت امام مسلم با اسناد قتاده از انس رضي الله عنه است، و قتاده به تنهايی اين لفظ را روايت نكرده بلكه هشت راوی ديگر مثل او از انس رضي الله عنه همان روايت را روايت كرده‌اند. و اين راويان چنان‌كه ابن‌حجر رحمه الله در "النكت علی كتاب ابن‌الصلاح" ٧٤٩/٢-٧٥٠ نقل كرده از اين قرار هستند: ١) حميد ٢) اسحاق بن أبی‌طلحه ٣) ثابت البنانی ۴) الحسن بن أبی الحسن البصری ۵) منصور

بن زاذان ۶) ابونعامة قیس بن عبایة ۷) ابوقلابة عبد الله بن زید الجرمی ۸) ثمامة بن عبد الله بن انس رحمة الله تعالی علیهم.

دوم: این گفته که (منظور از افتتاح نماز با {الحمد لله} این است که نماز را با سوره فاتحه شروع می‌کردند نه سوره دیگر نه اینکه {بسم الله} را نمی خواندند) باز هم درست نیست، زیرا همان‌طور که امام مسلم از شعبه از قتاده از انس رضی الله عنه نقل می‌کند انس رضی الله عنه می‌گوید: ((با پیامبر صلی الله علیه وسلم و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم با {الحمد لله رب العالمین} شروع می‌کردند، {بسم الله [الرحمن الرحیم]} در اول و آخر قرائت نمی‌گفتند))، بعد امام شعبه می‌گوید: از قتاده سؤال کردم که آیا این روایت را خودت از انس رضی الله عنه شنیده‌ای؟ قتاده گفت: آری! ما خودمان از ایشان سؤال کردیم.

امام ابن حجر رحمه الله در کتاب النکت ۷۶۰/۲ می‌گوید: این لفظ به صراحت بیان داشته که سؤال بر نشنیدن قرائت [{بسم الله الرحمن الرحیم}] است نه این که با چه سوره‌ای نماز شروع می‌شد.

سوم: جمع بین روایت قبلی از قتاده و این روایت از ابوسلمه که گوید: (از انس رضی الله عنه سؤال شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم و ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نماز را با {الحمد لله} یا با {بسم الله ..} شروع می‌کردند فرمود: این را نمی‌دانم و کسی قبل از تو از من نپرسیده است).

امام ابن‌حجر در کتاب النکت ۷۶۲/۲ گوید: (پس چنین واضح می‌شود که سؤال قتاده با سؤال ابوسلمه مغایرت ندارد و روش جمع بستن بین این دو روایت چنین است که گفته شود: سؤال ابوسلمه قبل از سؤال قتاده بوده است و آن هم به علت گفته‌ی انس رضی الله عنه: (کسی قبل از تو از من نپرسیده است) و در اینجا مثل اینکه در آن وقت آن را به یاد نداشته است و جواب داد به اینکه: (آن را حفظ ندارم یا نمی‌دانم)، سپس قتاده از وی سؤال می‌کند و آن را به یاد می‌آورد و آن چه که از حفظ داشته را روایت می‌کند).

چهارم: انتقاد از این گفته: (با این همه روایات وارده از صحابه من جمله ابن‌عباس، ابوهریره و انس که به طور صریح در مورد جهر {بسم الله الرحمن الرحیم} در نماز و غیر نماز آمده است قائل بودن به بدعت جهر امری بس عجیب است).

گویم: روایت‌های مذکور از صحابه من جمله ابن‌عباس، ابوهریره و انس رضی الله عنهم در مورد جهر {بسم الله الرحمن الرحیم} همان‌طور که ارائه شدند ضعیف هستند و با وجود احادیث صحیح بر خلاف آنها نمی‌شود به آن روایت‌ها استناد کرد.

قائل به بدعت بودن جهری تلاوت کردن {بسم الله الرحمن الرحیم} در نماز هم امری عجیب نیست زیرا هر عالمی بر حسب علمش فتوا می‌دهد و اجتهاد می‌کند و چقدر از احکام هستند که علماء بین حلال و حرام بودن آن با هم اختلاف نظر دارند و در این مسأله نیز حکم بر بدعت بودن این کار از یکی از صحابه‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم و آن هم عبد الله بن مغفّل رضی الله عنه ثابت است و فرزندش یزید چنین می‌گوید: پدرم در حالی که من در نماز {بسم الله الرحمن الرحیم} تلاوت می‌کردم صدایم را شنید و گفت: متوقف شو! بر حذر باش از حَدَث و بدعت، زیرا من همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم و آنان نماز را با {الحمد لله رب العالمین} آغاز می‌کردند.

این حدیث را امام احمد در مسند ۸۵/۴ و ۵۵/۵ و ترمذی حدیث شماره ۲۴۴ و ابن‌ماجه ۸۵۵ و ... روایت کرده‌اند و امام ابن‌حجر گوید: (این حدیثی حسن است، زیرا راویان این روایت ثقه هستند، و کسانی که این روایت را به علت یاد نشدن اسم فرزند عبد الله بن مغفّل رضی الله عنه و مجهول بودنش آن را تضعیف کرده‌اند درست نگفته‌اند..)، سپس امام ابن‌حجر بیان می‌کند که چنان‌چه در روایت امام احمد آمده اسم فرزند عبد الله بن‌مغفل رضی الله عنه ، یزید است و در تقریب التهذیب می‌گوید: (این راوی صدوق است)، و از جمله کسانی که این روایت را نیز صحیح دانسته‌اند امام احمد شاکر در تحقیقش بر سنن ترمذی است.

نوشته‌ی ابو عبید صلاح الدین جوهری تاریخ ۱ شعبان ۱۴۳۱هــق